

در درخت افرای کهنسالی، **المور** جوجه تیغی
تکوتنها زندگی می‌کرد. او عاشق آنجا بود.



المور چند روز یکبار، قبل از این که هوا تاریک بشود،
برای خوردن شاخ و برگ‌های مورد علاقه‌اش از تنه‌ی آن
درخت بزرگ پایین می‌آمد. بعد هم به لانه‌ی گرم و
نرمش توی درخت کهنسال برمی‌گشت.





المور گوشه‌گیر بود و تنهاییِ تنها زندگی می‌کرد.
شاید با خودت فکر کنی او دیگر به این وضعیت
عادت کرده بود، ولی مشکل درست همین بود:
او بیشتر وقت‌ها احساسِ تنهایی می‌کرد.
راستش تنهایی خیلی حوصله‌سَرَبَر است.